

## قانون اخلاقی خداوند

تا کنون آیا پی برده اید که اختلافات بین مردم از کجا سرچشمه میگیرد؟ زد و خوردهای مردم چه اقتصادی چه مذهبی چه سیاسی و چه اجتماعی باشد بر سر اختلافات عقیده است . حتی در یک محیط هم مردم توافق نظر ندارند. جوانان از ماده پرستی و جنگها و دوروئی سالخورده گان ایراد می گیرند و پیران از موی دراز و طرز لباس پوشیدن و لاقیدی جوانان شکوه میکنند. رسمی یا رفتاری که در یک کشور قابل قبولست در کشور دیگری رد و حرام محسوب میشود. در طول تاریخ جهان مردم نتوانستند در امور ارتباطی بین خود توافق نظر پیدا کنند. عقاید راجع به خوبی و بدی ، صواب و خطا خیلی باهم مغایرت داشته اند. آیا هم است چنین

مقیاسی به دست بشر نباید باشد بلکه خالق و آفریننده کائنات باید با چنین قانونی بر مخلوقات خود حکم براند. در انجیل مکتوب است که "قانون گذار و داور یکی است یعنی همانکسی که قادر است انسان را نجات بخشد (یعقوب

۱۲:۴).

در آن روزی که خالق عالم آفریدگانش را داوری کند مطمئن باشید راتی که خود وضع کرده بر آنان داوری خواهد نمود، نه مطابق دلخواه هر امتی یا هر فردی . در بدو عالم خداوند احکامی به نوع بشر

داد تا برای خوبی آنان و برای حفظ پاکی و نشاط آنان باشد. نزاع، نفرت، جنگ، خیانت، بیماری، بیچارگی و شکنجه، همه در نتیجهٔ تخلف از رات الهی می باشد. دزدی، شهوت، قتل، طمع، خوف، نفرت، درد و مرگ همه محصولات قانون شکنی هستند، هرگاه کسی بر روی کرهٔ زمین ه و رنج را درو کند.

وقت آن رسیده است که مردم پاکیزگی را از سرچشمهٔ پاکی فرا گیرند، "زیرا خداوند

میگوید که افکار من افکار شما نیست و طریقه‌های شما طریقه‌های من نی زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریقه‌های من از طریقه‌های شما و افکار من از (اشعیا ۵۵:۹۰).

بعضیها خیال میکنند که قانون به آزادیشان لطمه می زند و محدودشان تی برای مال و جان مردم وجود نداشته باشد. مردم از چنین جائی فرار میکنند و فقط زورگویان و سارقین جرأت ماندن در آنجا را دارند تا از هرج و مرج تی سو استفاده کنند. کشوری که قانون نداشته باشد به طور قطعی سقوط خواهد کرد. در مقابل چنین اوضاعی می توانیم خدا را شکر گوئیم که او به مردم احکامی ارزانی داشته است که به صلاح افراد و اجتماع باشد، یعنی احکام عادلانه. خداوند نه تنها مطیعان او را اجر خیر عنایت خواهد نمود بلکه متخلفین را نیز به جزا میرساند . انتقام از آن وی می باشد. حساب ما با خداست . پرسش کنندهٔ بزرگ ماست . بنابراین رات پروردگار آشنائی کاملی داشته باشیم زیرا طبق آنها داوری خواهیم شد.

اگر کار نجات خود را به روز داوری عقب بیندازیم در آن روز کسی از عهده این امر بر نخواهد آمد زیرا که فرصت چنین کاری امروز است .

آن روز دیگر دیر خواهد بود زیرا که حساب شما و من قبل از آن بسته خواهد شد. گزارشهایی که ملائکه مینویسند خوانده خواهند شد و هر فردی مطابق آنچه در گزارشهای آنها ثبت گردیده داوری خواهد شد. نوع زندگی هر کس با قانون الهی و احکام ابدی تطبیق داده خواهند شد. در راتش

آگاه سازند و به راه راست هدایتشان کنند. ولی متأسفانه بسیاری هستند که رات پروردگار

ة اخذ دنیای مادیات شده. دیگر

وقتی برای فکر کردن به خداوند و پرستش او باقی نگذاشته اند. حساب این گونه اشخاص در آن روز کسر موجودی خواهد داشت. سلیمان حکیم "پس ختم تمام امر را بشنویم: از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چون که تمامی تکلیف انسان این است زیرا خدا هر عمل را با هر کار مخفی (جامعه ۱۲:۱۳).

بنابر این مقیاس خداوند در داوری بشر چه می باشد؟ و اصرار ما برای ادراک این موضوع چیست؟ مقیاس داوری احکام ابدیست و اصرار ما برای امت شماست. احکام خداوند همچون حکومت پاک او لایزال و صفات رات خداوند مقایسه

خواهد شد. انسان در انتخاب راهی که می خواهد برود آزاد است. اگر انسان در این موضوع آزاد نباشد پس خداوند چرا او را برای ترک کردن (سوره البقره

آیه ۲۵۶) - هیچ گونه اجباری در دین نیست - مشهور خاص و عام میباشد.

ف

ف را نمیتوان انکار کرد. بدون هیچگونه تردیدی نتیجه بدی

لف هر دو

"فریب نخورید. هیچ کس نمی تواند خدا را فریب

(غلاطیان ۶:۷). بعضیها

خیال میکنند که قانون فقط برای دیگران است. به عنوان مثال وقتی به خودشان به خوبی

استفاده کرده قانون را دوست دارند ولی اگر چراغ قرمز باشد حاضرند از

دیگران سوء استفاده کنند. بعضی اوقات شخص میتواند از این گونه

جرم ها بگذرد و چون پلیس سر چهارراه را کنترل نمیکند، با کیفر آبی

به نمیشود ولی بعضی قانونهای دیگر هم هستند که شخص نمیتواند

اگر کسی از پشت بام عمارت بلندی به

خیابان بپرد قانون جاذبه او را به سوی اسفالت میکشد و لحظه ای بعد

به

قانون بهزیستی سیگار بکشد و زهر نیکوتین و قطران را مدام داخل بدنش

کند و خیال کند که این عمل ضرری نخواهد داشت ولی بیست سال

ف خود را باید به عهده بگیرد.

شخص دیگری نسبت به احکام ابدی اخلاقی خدا تخلف میکند و در

به حرکت او نیست ولی

- شاید بیست سال و شاید هم بیشتر - در روز داوری از محکومیت

خود نمی تواند فرار کند یا تقصیر گنااهش را به گردن فرد دیگری

بیندازد زیرا که آزادانه راه خود را اختیار نموده است.

۲ - سنگ محک

۴

رات

پروودگار برای خیر و صلاح انسان وضع شده اند. عوض کردن قانون به ضرر مردم تمام میشود. با این وجود شخصی بگوید "من شخص صالحی هستم - کسی را نکشتم ، دزدی نکردم، و مال کسی را نخوردم - از اغلب مردم بهترم." سؤالی که او باید از خود بکند این است که آیا معیار رات خداوند یکبست؟ آیا کسی میتواند مثل اغلب مردم زندگی کند - یعنی زیاد گناه نکند ولی در عین حال از خدمت و پرستش خداوند غفلت نماید؟ اغلب مردم مشغول تلاش برای زندگی میباشد و باید پولی بدست آورند تا جهت خرج خوراک و پوشاک و تحصیلات بچه ها و برآورد کردن ضرورتهای معاش آن را به مصرف برسانند. شیطان بر میزان خواسته های مردم به قدری افزوده است که اغلب مردم دیگر وقتی برای خدا باقی نگذاشته اند و خداوند را در مرحله آخر زندگی خود قرار داده اند. چون خداوند یکبست شخص ایماندار باید آن را در مرحله اعلاى افکارش قرار دهد. آیا نمیباید مقداری از آن عمر را هر روز در خدمت خداوند گذرانید؟ وقت نماز در کار بازرگانی صرف میشود و وقت پرستش برای پرورش "من" تلف میشود. مقیاس اغلب مردم برای مؤمن کافی نیست.

"از در تنگ وارد

شوید زیرا دری که بزرگ و راهیکه وسیع است به هلاکت منتهی میشود و کسانی که دری که به جیات منتهی میشود تنگ و راهش

(متی ۱۳:۷ و ۱۴).

شخص مؤمن نمیتواند با روش اغلب مردم موافق باشد زیرا که راه اغلب مردم راه هلاکت است. اگر کسی از شخصی چیزی را دزدید ما میگوئیم کار بدی کرده است. ولی اگر کسی از خداوند بدزدد چطور است؟ اگر کسی از بیست و چهار ساعتی که خداوند بهر کس داده است

نی را به خداوند اختصاص ندهد و در امور روحانی با خداوند راز و نیاز نکند آیا دزدی محسوب نمیشود؟ به این سؤال از نقطه رات الهی جواب دهید.

### ۳ - وجدان

بعضیها خیال میکنند که وجدان هادی کافیت ولی در عین حال دو نفر پیدا نمیشوند که در موضوع راستی و ناراستی توافق نظر پیدا کنند. سهم همه شده است. وجدانی که

رات الهی تربیت نشده باشد هادی ناقصی است. هر کس باید وجدانش را با احکام خداوند مقایسه کند. احکام نامبرده ساخت بشر نیست و منحصر به یک قوم یا یک زمان یا یک مکان نمیباشند بلکه ط فرستاده های خداوند جهت نوع بشر اعطا گردیده اند.

اگر کسی در دادگاهی به جرم ربودن هزار دلار محکوم شود نمیتواند به حسابدار کشور بگوید "این دویست دلار را بگیر، کافیت." اگر در دادگاه بشری کسی نتواند این کار را بکند چطور ممکنست در دادگاه سماوی به خالق بگوید که "جرم من خیلی سنگین است نصفش را بیشتر نمی دهم." برخی رسوم اجتماعی را محک کار خود قرار داده عده ای نیز به احادیث مذهبی که در مرور قرنها به اصل فرمایشات خداوند اضافه در اینجاست که اگر چنانچه مسئله نادرستی

رات الهی هم موافقت

نداشته است باید آن را رد کرد زیرا که حقیقت ندارد. شایسته است هر رات الهی مقایسه کند مبدا رسوم و عقاید ارثی

او کم کم در گذشته از خواست خداوند دور شده باشد. در روز حساب ت نکردیم؟ آیا با ذکر

به

## ت و رضایت

(یوحنا

ت و رضایت به اموال دنیا انکاً  
ه میشوند که زمانی برای به دست آوردن  
ثروت و مال در زحمت بوده و زمانی دیگر در حفظ آن خود را در عذاب  
بیشتری قرار داده اند. پول سلامتی فکر را برای کسی نمی خرد بلکه  
عی هستند که  
ه و ناتوانی فقط در قدرت تفکر خود شخص است . یعنی  
تحصیلات اشخاص را عوض کرده و نیز اشکالات دنیا را برطرف میسازد  
ولی ثابت شده که دزد تحصیل کرده دزد ماهرتری می باشد. حقیقت این  
ت و رضایت و سعادت واقعی فقط در نتیجه ایمان حاصل می  
شود و اطمینان به اینکه رفتار فرد با خواست پروردگار موافقت کند.  
"ابتدای حکمت ترس خداوند است و معرفت  
(امثال سلیمان ۹:۱۰). شخص فهیم از فرقان الهی  
(سوره  
البقره آیه ۵۳) - و نیز زمانی را که به موسی کتاب تورات و فرقان دادیم  
تا آنکه شما راه راست یابید.

ت

و قوم و زبان و قبیله یکسان است . قانونهائی که مردم وضع میکنند  
رات اخلاقی خداوند  
پنجاه سال پیش علامتی سر  
جاده ها دیده نمیشد که "حد اکثر سرعت ۶۵ مایل" است. با افزایش  
علم و اختراع اتومبیل و ساختن جاده های خوب برای حفاظت جان

راننده و هم چنین مسافری لازم شد که چنین قوانینی وضع نمایند. تغییر طرز زندگانی ملازم قانونهای جدید است ولی مقررات اخلاقی هرگز از زمان حضرت آدم تا امروز عوض نشده است. همان طوری که کفر و فحش محسوب می شد دو هزار سال بعد از مسیح نیز گناه می باشد و بقدرت خود باقیست.

## ۵ - احکام دهگانه

درستی و نادرستی از ازل بوده اند. هنگام آفرینش، خداوند آنها را به بیان کرد و خواست طبق آنها رفتار کنند. صراط مستقیم نه به طرف چپ و نه به طرف راست منحرف میگردد بلکه مستقیم و راست میباشد. آن اصولی را که خداوند بر دو لوح سنگ نگاشت و به حضرت موسی سپرد تا به مردم بدهد به فرقان یا احکام معروفست و اگر چه به کلمات دیگر ترجمه شده در کتاب آسمان ذکر شده اند. آنان به انضمام این درس فرستاده میشوند.

تخلف از احکام ابدی خداوند انقلاب بر علیه حکومت خدا میباشد. فحش نمیتواند در حضور خداوند باشد. یکی از انبیا از خداوند (رومیان)

(۲۳:۳). بنابر این چون فرشتگان در گزارش خود اشتباه نمیکنند همه محکوم میگردند و محتاج نجات میباشد. اگر خود جریمه گناه را پردازند باید تا به ابد بمیرند ولی دیگری هست که حاضر شد جرم گناه بشر را ثابت کرده است زیرا در آن

هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح بخاطر ما مرد. ما که با ریختن خون او نیک شمرده شدیم چقدر بیشتر بوسیله خود او از غضب خدا خواهیم رست.

(رومیان ۵:۹).

معرفی میشود. در مقابل

گزارش هر گناهی که انسان مرتکب شده باشد و توبه نموده ایمان بیاورد بر دفتر او نوشته خواهد شد. خوردن خون حرام است زیرا که خون علامت حیات میباشد. خون ریخته شده بره خدا دلیل حیات معصومانه او میباشد و در داوری شخص توبه کار راه دیگری به جز انکأ به جریمه ای که بره خدا پرداخته است ندارد. کسی که این طور قانوناً آمرزیده شود دوباره نمی خواهد به گناه خود ادامه دهد. متوجه بدی گناه و بهائی که برای آمرزش آن پرداخت شد گردیده تصمیم میگیرد که با فیض و فضل خداوند و مطابق فرمایشات او زندگی کند. بازخرد گناهکار (چه مرتکب گناه کوچکی شده باشد یا گناه بزرگی) باید با خون بیگناه بره خدا عملی گردد.

دنیا پر از مردمان خود خواه و خودپرست است. در حال حاضر ما نمیتوانیم از دنیا فرار کنیم ولی در عین حال مجبور نیستیم با عصیانگران بر علیه حکومت خدا همکاری یا شراکت کنیم. خداوند اشخاصی را به او تسلیم شوند و خداوند فرزندان آدم را میخواند که هم اکنون راه اشتباه را ترک کنند. آنان را به سوی صراط مستقیم میخواند. خداوند کسانی را میطلبد که اعترافشان را با سی در این دوران قرن بیستم صراط

"بسم الله

الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين:الرحمن الرحيم، مالک يوم الدين. اياک نعبدو اياک نستعين. اهدنا الصراط المستقيم: صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالين ."

## امتحان درس هفدهم

۱- مبدأ فرقان که همه مردم باید بر اساس آن داوری شوند از کجاست؟

( )

( )

( )

۲ - جملات صحیح ذیل را نشان (#) بگذارید:

( )

ب- خداوند در بدو عالم احکامی به مردم داد تا آزادی و خوشبختی

( )

ج- نزاع، نفرت، خیانت، مرض، بیچارگی، و شکنجه همه در نتیجه

( )

د- دزدی، شهوت، قتل، طمع، خوف، نفرت، درد، و مرگ همه در

( )

۳ - سلیمان حکیم میفرماید که تمامی تکلیف انسان چیست؟

( )

( )

( )

۴ - اگرچه درستی و نادرستی از ابتدای عالم وجود داشته است محک خوب و بد در

چیست و در کجا میشود آنرا پیدا کرد؟

( )

( )

( )

( )

جوابهایی صحیح. ۱=۱ \ ۲=۲ و ۳=۳ و ۴=۴ ج و د.